





## Analysis of the entry of the Verse of Mubahila in the encyclopedia of Oliver Leaman

**Seyed Mohammad Reza Mirhadi Tafreshi** \*  Assistant Professor of Islamic Studies, Alzahra University, Tehran, Iran

**Ali Karbalaei Pazoki**  Associate Professor of Philosophy and Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract

The Book Quran is an encyclopedia of Islamic research in the West, edited by Professor Oliver Leaman. In 2012, its translation was published in Ettelaat Publications. The main approach of this encyclopedia has been to address the concepts and topics that, according to its authors, It is considered important in connection with studies. One of these topics was the verse of Mubahila (Al-Imran / 61) which was written by Rafik Berjak during an entry called "Mubahila" It has been compactly written. Since the verse of Mubahila refers to one of the most important events in the early history of Islam, which was itself the source of important theological issues and debates in Islam, It seems necessary to analyze the related entry in this encyclopedia. This critical study, which has been done in a theoretical style using a descriptive-analytic method, shows that the entry in question in this encyclopedia, Despite its great thematic importance, does not have the necessary volume and analysis, and in addition, the author has not considered the theological importance of the subject of Mubahila, that is, the theological superiority of Islam over the theology of Christianity. However, while ignoring the historical importance of the subject of Mubahila from the perspective of Islamic sects and religions, the author of the article did not have a correct understanding of the lexicography of the subject.

**Keywords:** Verse of Mubahila, Encyclopedia, Oliver Leaman, Critique of the Verse of Mubahila in Oliver Leaman's Encyclopedia.


\* Corresponding Author: m.mirhadi@alzahra.ac.ir

**How to Cite:** Mirhadi Tafresh, M. R., Karbalaei Pazoki, A. (2020). Analysis of the entry of the Verse of Mubahila in the encyclopedia of Oliver Leaman. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 2 (3). 263-276.

## تحلیل مدخل آیه مباحله در دانشنامه الیور لیمن

سیدمحمدرضا میرهادی نفرشی \*  استادیار گروه معارف دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه  
 طباطبائی، تهران، ایران

علی کربلانی پازوکی 

### چکیده

کتاب قرآن، یک دائرةالمعارف<sup>۱</sup> از جمله پژوهش‌های اسلامی در غرب است که با سرویراستاری پروفیسور الیور لیمن<sup>۲</sup> در سال ۱۳۹۱ ترجمه آن در انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. رویکرد اصلی این دائرةالمعارف پرداختن به مفاهیم و موضوعاتی بوده است که به زعم تهیه کنندگان آن، در ارتباط با مطالعات دارای اهمیت قلمداد شده است. یکی از این موضوعات آیه مباحله (آل عمران/ ۶۱) بوده که طی مدخلی به نام «مباحله» به قلم رفیق برچک<sup>۳</sup> به طور فشرده به رشته تحریر در آمده است. از آنجا که آیه مباحله به یکی از مهم ترین وقایع تاریخ صدر اسلام اشاره دارد که خود سرچشمه موضوعات و مباحث مهم کلامی و اعتقادی در اسلام بوده است، به نظر می رسد که ضروری باشد مدخل مرتبط با آن در این دائرةالمعارف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. این مطالعه انتقادی که به سبک نظری با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است نشان می دهد که مدخل مورد نظر در این دائرةالمعارف، به رغم اهمیت موضوعی فراوان، حجم و تحلیل لازم را دارا نیست و علاوه بر آن، نگارنده اهمیت کلامی موضوع مباحله یعنی برتری کلامی اسلام بر کلام مسیحیت را مورد توجه قرار نداده است. این در حالی است که ضمن نادیده گرفته شدن اهمیت تاریخی موضوع مباحله از منظر فرق و مذاهب اسلامی، نگارنده مقاله درک صحیحی از لغت شناسی مبحث نیز نداشته است.

کلیدواژه‌ها: آیه مباحله، دائرةالمعارف، الیور لیمن، نقد آیه مباحله در دائرةالمعارف الیور لیمن.

\* نویسنده مسئول: m.mirhadi@alzahra.ac.ir

1. The Qur'an, an Encyclopedia
2. Oliver Leaman
3. Rafik Berjak

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

اسلام پژوهان غربی یا مستشرقان، دیدگاه‌های مختلف، بلکه متضادی درباره قرآن دارند، بعضی همچون موریس بوکای فرانسوی، جان دیون پرت انگلیسی و ادوارد و آنیلی ایتالیایی به وحیانی بودن قرآن معتقدند. آن‌ها منشاء قرآن کریم را وحی صریح الهی دانسته‌اند که توسط وحی جبرئیل امین بر حضرت محمد<sup>(ص)</sup> نازل شده‌است. این گروه از دانشمندان از آئین سابق خود دست برداشته و رسماً دین مبین اسلام را پذیرفتند (ر.ک؛ زمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

بعضی دیگر از مستشرقان همچون پروفیسور هانری کربن فرانسوی، توماس کارلایل اسکاتلندی و جرجی زیدان لبنانی اگر چه به نزول وحی خداوند بر حضرت محمد<sup>(ص)</sup> و منشاء مستقیم وحیانی بودن قرآن تصریح نکرده‌اند اما معارف قرآن را بسیار عالی و منطبق با آموزه‌های الهی دانسته‌اند که قطعاً یک نوع پیوندی با خدا دارد (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۵: ۱۲۷). اما برخی از مستشرقان در مواجهه با انبوه معارف قرآن و جامعیت آن در همه ابعاد فلسفی، اعتقادی، عرفانی، اخلاقی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، تربیتی، سیاسی، و برتری فهم آن‌ها از سطح دانش و عقل بشر عادی، به ناچار نظریه نبوغ را برگزیده و حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را یک نابغه بزرگ بلکه بزرگ‌ترین نابغه تاریخ بشر دانسته‌اند (ر.ک؛ زمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). برخی دیگر، به نظریه‌های دیگری همچون اقتباس، فرهنگ زمانه، وحی الهی تجربی، تجربه دینی و ... روی آورده‌اند!

کتاب قرآن، یک دائرةالمعارف معروف به «دائرةالمعارف قرآنی الیورلیمن» با صرف نظر از قبول یا رد دیدگاه‌های یاد شده به تحقیق پیرامون موضوعات قرآنی پرداخته‌است (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۰: ۳۱).

این دائرةالمعارف با همکاری نویسندگانی با عقائد و باورهای مختلف و بلکه متضاد تألیف و تهیه شده‌است. برخی از آنان مسلمان، عده‌ای غیرمسلمان و گروهی به هیچ چیز اعتقاد ندارند (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۸: ۳۱) از این رو نمی‌توان یک نظر واحد از دیدگاه‌های یاد شده را برای این دائرةالمعارف درباره قرآن بیان نمود. اما آنچه از عبارت سرویراستار الیور لیمن به دست می‌آید این است که ایشان وحیانی بودن قرآن را پذیرفته‌است؛ زیرا در بخش

انگیزه تألیف، از کلیدواژه "نازل" و جمله "قرآن منبع الهام است." استفاده نموده که می‌تواند دال بر اعتقاد وی به وحیانی بودن قرآن باشد. به علاوه آنکه نویسنده مقاله مباحله، استاد رفیق برجک نیز این عبارت را می‌آورد: «خداوند به پیامبر فرمان داد که از آنان بخواهد که مباحله کنند» (الیورلیمن، ۱۳۹۱: ۵۲۷) که این جمله ایشان دال بر اعتقاد به وحیانی بودن قرآن است. در این دائرةالمعارف همه موضوعات و مسائل مربوط به قرآن آورده نشده و هدف آن توضیح و تفصیل همه موارد مربوط به قرآن نیست؛ اما به گفته پروفیسور الیور لیمن تلاش شده تا به مهم‌ترین مفاهیم و موضوعات توجه شود (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۳۳).

از جمله موضوعات قرآنی که در این دائرةالمعارف، مطرح شده آیه مباحله و طرح آن در قالب یک مدخل مستقل تحت عنوان «مباحله» است. مباحله از مطالب مهم قرآنی است که ریشه در مباحث اعتقادی و کلامی دارد. مباحث اعتقادی، اساس و بنیان یک مکتب را تشکیل می‌دهند و نقش بسیار مهمی در موفقیت، تحقق آرمان‌ها و اهداف آن نحله خواهند داشت.

در معارف قرآنی، خوشبختی و سعادت ابدی انسان‌ها در گرو دو امر مهم است؛ یکی عقائد و باورها که از آن به ایمان تعبیر می‌شود و دیگری رفتار و اعمال صالح انسان‌ها (عصر/۳). اگر چه ایمان و عمل صالح، زوج قرآنی هستند که هر دو در کمال و سعادت ابدی انسان‌ها سهیم‌اند (نحل/۹۷). اما نقش عقائد و باورها، بنیادی‌تر و وزین‌تر است. منشاء مباحله، اعتقاد و باوری است که اکثر تفاسیر شیعه و سنی به تفصیل درباره آن سخن گفته‌اند و هیچ اختلافی بین مفسران شیعه و سنی، در اصل موضوع وجود ندارد.

## ۲. هدف و پرسش پژوهش

با توجه به فرآیند پیش گفته، هدف این مقاله «تحلیل مدخل آیه مباحله در دائرةالمعارف الیور لیمن» است. بر اساس هدف مزبور، پاسخ به ۲ پرسش ذیل هدف را میسر خواهد کرد:

الف. ماهیت و حقیقت مباحله و علت نزول این آیه در قرآن چیست؟

ب. نویسنده مقاله دائرةالمعارفی تا چه اندازه موفق به تبیین موضوع مباحله شده‌است؟

## ۳. پیشینه پژوهش

آثار متعددی از مستشرقان با موضوعات قرآنی به رشته تحریر درآمده که توسط عالمان و اندیشمندان مسلمان مورد تأیید و یا نقد قرار گرفته‌است؛ اما با بررسی‌های به عمل آمده،

دائرةالمعارف‌های قرآنی که توسط مستشرقان تألیف شده کمتر مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است، که به عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌هایی با عناوین کلی «بررسی دایره المعارف قرآن لایدن» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۳) و «معرفی و بررسی دائرةالمعارف قرآن الیور لیمن» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۲۹) اشاره نمود که به نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف این دو دائرةالمعارف پرداخته‌است؛ اما مقاله‌ای که به نقد و بررسی موضوع مباحثه از دیدگاه دائرةالمعارف الیور لیمن پرداخته باشد تاکنون به نگارش در نیامده‌است.

#### ۴. روش پژوهش

در این مقاله به روش نظری و به شیوه کتابخانه‌ای اطلاعات اولیه گردآوری و با انگیزه شناخت تطبیقی آثار مستشرقان در موضوعات و مؤلفه‌های قرآنی و به صورت خاص بررسی آیه مباحثه در دائرةالمعارف الیور لیمن تنظیم شده‌است.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱. ماهیت و حقیقت مباحثه و علت نزول آیه مباحثه در قرآن کریم

با توجه به اینکه نویسنده مقاله مباحثه در دائرةالمعارف در ابتدای مقاله خود به بحث لغوی و اصطلاحی مباحثه پرداخته‌است؛ از این رو لازم و ضروری است که قبل از پرداختن به ماهیت و حقیقت مباحثه و علت نزول آیه مباحثه در قرآن کریم، به طور دقیق به معنای لغوی و اصطلاحی آن پرداخته شود تا میزان درستی و نادرستی سخنان وی در این قسمت مقاله بهتر مورد سنجش قرار گیرد.

##### ۵-۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی مباحثه

«بتهل» از «بهل» به معنای رها کردن بدون سرپرست است. به شتر یا گوسفندی که رهاش کرده‌اند تا هر نوزاد نیازمند به شیر، از شیر او بنوشد، «ناقه باهله» یا «شاه باهله» گفته می‌شود (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۳۵۷، ج ۱۱: ۷۱).

بَهله الله، یعنی خدا او را رها و از رحمت خویش دور ساخت (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶۸). اما اینکه بعضی از تفاسیر (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۲۴)، بهل را به معنای لعن گرفته‌اند باید گفت لعنت لازمه «بهل» است نه معنای آن. و گرنه وقتی گفته می‌شود: صاحب

الماشیه بهل ما شیتته (دامدار، دام خود را رها کرد) باید مجاز یا مشترک لفظی باشد که چنین نیست (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۵۱).

ابتهاال، یعنی کار را به خدا وا گذاشتن که به تدریج به معنای تضرع و زاری خاصی در درگاه خداوند اختصاص یافت. تضرع، ابتهاال و تبتل به هم نزدیکند. بنابراین ﴿ثُمَّ نَبْتَهْلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ (آل عمران/۶۱) بدین معناست که ما کار را به خدا وا می‌گذاریم و با تضرع و زاری لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان قرار می‌دهیم (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۳۵۷، ج ۱۱: ۷۲).

#### ۵-۱-۲. ماهیت و شأن نزول آیه مباحله

بعد از فتح مکه در سال نهم هجری، گروه‌های فراوانی از مناطق دور و نزدیک برای پذیرش اسلام یا بحث و مناظره با رسول اکرم (ص) به حضور آن حضرت می‌آمدند. به همین جهت آن سال را عام‌الوفود یعنی سال ملاقات گروه‌ها و هیئت‌های گوناگون با رسول خدا (ص) نام نهادند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۵۲). یکی از آن گروه‌ها، هیئتی از مسیحیان نجران و دارای تشریفات، زرق و برق و شکوه و جلال مادی بود.

این هیئت شصت نفر بودند که چهارده نفر آنان از اشراف و برجستگان نجران محسوب می‌شدند، سه نفر از این چهارده نفر سمت ریاست داشتند و مسیحیان آن سامان در کارها و مشکلات خود به آن سه نفر مراجعه می‌کردند. یکی از آنان عاقب بود که او را عبدالمسیح نیز می‌گفتند. دیگری سید نام داشت که او را بیهم نیز می‌گفتند. نفر سوم ابو حارثه نام داشت. این گروه شصت نفره هنگامی به مسجد پیامبر وارد شدند که حضرت، نماز عصر را با مسلمانان خوانده بود. آن‌ها طبق مراسم خودشان، ناقوس را نواختند و به طرف مشرق ایستاده، مشغول نماز شدند. گروهی از اصحاب خواستند مانع شوند، پیامبر فرمود: به آن‌ها کاری نداشته باشید. بعد از نماز، عاقب و سید خدمت پیامبر رسیدند و با او آغاز سخن کردند. پیامبر به آنها پیشنهاد داد به آیین اسلام در آئید و در پیشگاه خداوند تسلیم گردید. عاقب و سید گفتند: ما پیش از تو اسلام آورده و تسلیم خداوند شده‌ایم! پیامبر فرمود شما چگونه بر آئین حق هستید با اینکه اعمالتان حاکی است که تسلیم خداوند نیستید، چه اینکه برای خدا فرزند قائلید و عیسی را پسر خدا می‌دانید، و صلیب را عبادت و پرستش می‌کنید و گوشت خوک می‌خورید، با اینکه تمام این امور مخالف آئین حق است.

عاقب و سید گفتند اگر عیسی پسر خدا نیست پس پدرش که بوده است؟ پیامبر فرمود آیا شما قبول دارید که هر پسری شباهتی به پدر خود دارد؟ گفتند آری. فرمود آیا این طور نیست که خدای ما به هر چیزی احاطه دارد و قیوم است و روزی موجودات با او است؟ گفتند آری همین طور هست. فرمود آیا عیسی این اوصاف را داشت؟ گفتند نه، فرمود آیا می دانید که هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی نیست و خدا به همه آنها داناست؟ گفتند آری می دانیم. فرمود عیسی غیر از آنچه که خدا به او یاد داده از پیش خود چیزی می دانست؟ گفتند نه. فرمود آیا می دانید که خدای ما همان است که مسیح را در رحم مادرش همانطور که می خواست، صورتگری کرد؟ گفتند همین طور می باشد. فرمود آیا چنین است که عیسی را مادرش مانند سایر کودکان در رحم حمل کرد و بعد همچون مادرهای دیگر او را به دنیا آورد؟ و عیسی پس از ولادت چون اطفال دیگر غذا می خورد؟ گفتند آری چنین بود. فرمود پس چگونه عیسی پسر خداست با اینکه هیچ گونه شباهتی به پدرش ندارد؟!

سخن که به اینجا رسید، خاموش شدند در این هنگام هشتاد و چند آیه از اوایل این سوره برای توضیح معارف و برنامه های اسلام نازل گردید (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۶). آنها سخنان پیامبر را نپذیرفتند و ولادت حضرت عیسی بدون پدر را دلیل بر الوهیت، و فرزندی او نسبت به خدا می گرفتند. در پاسخ به این اعتقاد، خداوند آیه ۵۹ سوره آل عمران را نازل کرد که «مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید سپس به او فرمود موجود باش او نیز بلافاصله موجود شد».

با این سخن کوتاه اما مستدل و روشن پاسخ آنها را داده که مفهوم آیه شریفه این است اگر به خاطر پدر نداشتن، عیسی را پسر خدا می دانید پس باید به طریق اولی حضرت آدم را فرزند خدا بدانید زیرا اگر عیسی بدون پدر متولد شد، حضرت آدم بدون پدر و مادر به دنیا آمد.

جالب است ابن کثیر ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران، برای اثبات مخلوق بودن عیسی می - نویسد: ﴿وَلَكِنَّ الرَّبَّ جَلَّ جَلَالُهُ أَرَادَ أَنْ يُظْهَرَ قُدْرَتَهُ لِيَخْلُقَهُ حِينَ خَلَقَ آدَمَ لَا مِنْ ذَكَرٍ وَلَا مِنْ أُنْثَى، وَ خَلَقَ حَوَاءَ مِنْ ذَكَرٍ وَلَا أُنْثَى!، خَلَقَ عَيْسَى مِنْ أُنْثَى بَلَا ذَكَرٍ كَمَا خَلَقَ بَقِيَّةَ الْبَرِيَّةِ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى﴾: پروردگار عالم اراده نمود قدرت خود را در آفرینش بدان گونه اظهار نماید که آدم را بدون آنکه مرد و زنی باشد بیافریند، و حوا را از مردی بدون زن خلق نماید، و عیسی را از زنی بدون مرد بیافریند، کما اینکه بقیه مردم را از مرد و زن خلق نمود.

علیرغم سخنان مستدل و منطقی پیامبر و همچنین نزول آیات الهی که بر ادله عقلی و منطقی استوار بود اما گروه مسیحی بر حقانیت عقائد خود ایستادگی می کردند تا اینکه خداوند متعال با نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران اینچنین آنان را دعوت به مباحله نمود: «هرگاه بعد از علم و دانشی که درباره مسیح به تو رسید (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آنها بگو، بیائید، ما فرزندان خود را دعوت می کنیم شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می کنیم شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می کنیم شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله می کنیم و لعنت خدا را بر دروغ گویان قرار می دهیم» (آل عمران/۶۱).

بعد از محاجه پیامبر اعظم (ص) با هیئت مسیحی، و نزول آیات مستدل و منطقی مبنی بر مخلوق بودن حضرت عیسی مسیح علیه السلام، خداوند سبحان به پیامبر فرمان مباحله می دهد زیرا بعد از به حد نصاب رسیدن شیوه های فکری و نکول هیئت مسیحی، دیگر احتجاج سودی ندارد (ر.ک؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۵۴) و مشکل جز با معجزه حل نمی شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۴۷).

در داستان مباحله کمال انصاف و ادب رعایت شده است؛ زیرا رسول خدا (ص) اعتقاد و اطمینان کامل به حقانیت موضوع داشت و به آداب الهی مودب بود. منشاء اطمینان آن حضرت، وحی و برهان بود (ر.ک؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۵۴) وحی یقین آور است چون کسی راست گوتر از خدا نیست (نساء/۱۲۲) استدلال، یعنی تشبیه خلقت حضرت مسیح علیه السلام به خلقت حضرت آدم (ع)، نیز یقین آور است. اما مسیحیان آماده برای مباحله از هیچ یک از این دو راه بهره نگرفتند و از کشف و شهود نیز بهره ای نداشتند یعنی نه پیامبر بودند تا از وحی بهره ببرند و نه حکیم تا از برهان ارائه شده طرفی ببندند و نه عارف ناب بودند تا از کشف و شهود صحیح، نصیبی ببرند. و درحقیقت، مصداق این آیه بودند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾ (لقمان/۲۰). در دعوت مباحله نیامده که مباحله کنیم تا خدا شما را نابود کند بلکه با انصاف و ادب آمده است مباحله کنیم تا خداوند دروغ گویان را نابود کند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۴۹).

به تعبیری دیگر مباحله برای آن است که دروغ گویان ریشه کن شوند زیرا بقای هر موجود، به افاضه خاص و رحمت الهی است، و با لعنت یعنی با سلب این فیض و رحمت، آن موجود ریشه کن می شود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۴۹).



بعد از نزول آیه مباهله و ابلاغ آن توسط پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> به هیئت مسیحی، آنها تا فردای آن روز از پیامبر اسلام مهلت خواستند و پس از مراجعه و مذاکره با سایر مسیحیان، اسقف آنها اینچنین گفت: شما فردا به محمد<sup>(ص)</sup> نگاه کنید اگر با فرزندان و خانواده اش برای مباهله آمد، از مباهله با او بترسید و اگر با یارانش آمد با او مباهله کنید<sup>(ر.ک)</sup>؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۷۸) فردا وقتی مسیحیان دیدند پیامبر با نزدیکترین و عزیزترین کسان خود یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) آمده است، از مباهله امتناع نمودند. پیامبر با عزیزترین خویشان به صحنه آمد و کار را به خدا واگذار کرد تا گروه حق مدار، معلوم شود<sup>(ر.ک)</sup>؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۴۹) در روایتی آمده، اسقف مسیحیان به آنها گفت: من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند تقاضا کنند کوه‌ها را از جا برکنند، چنین خواهد کرد، هرگز با آنها مباهله نکنید که هلاک خواهید شد و یک نصرانی تا روز قیامت برصحنه زمین نخواهد ماند<sup>(ر.ک)</sup>؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۳۱).

اگر چه صاحب تفسیر المنار کوشیده تا بگوید احادیثی که مصادیق آیه مباهله را اهلیت معرفی می‌کنند همگی از طرق شیعه نقل شده اما غالب مفسران و محدثان اهل تسنن تصریح نموده‌اند که همراهان پیامبر در مباهله، تنها علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) بوده‌اند<sup>(ر.ک)</sup>؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۸۲).

علت اینکه در مباهله فقط اهلیت دعوت شدند این بود که شرکت در مباهله شرطی داشت که جز اینان کسی آن را نداشت، و آن تاثیر «آمین» همراهان در استجاب دعا بود. فراز ﴿ثُمَّ نَبَّهْلَ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ (آل عمران/۶۱) بیان قطعی بودن استجاب است، از این رو گفته نشد «ما از خدا می‌خواهیم تا لعنت کند»<sup>(جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۴۸)</sup>. ناگفته نماند مباهله به داستان حضرت مسیح (ع) اختصاص ندارد بلکه برای هر حق مسلمی که انکار شود می‌توان مباهله کرد<sup>(ر.ک)</sup>؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۴۵۴). توضیحات داده شده اگر چه بخشی از مطالب مهم آیه مباهله است اما بیان آن لازم بود، تا در قسمت بعدی یافته‌ها یعنی تحلیل، نقد و بررسی مباهله از دیدگاه دائرةالمعارف البورلیمن، بدانیم تا چه حد به این موضوع مهم پرداخته شده است.

## ۶. نویسنده مقاله مباحله در دائرةالمعارف، تا چه اندازه موفق به تبیین این موضوع شده است؟

این کتاب، دومین<sup>۱</sup> دائرةالمعارف مستشرقان درباره قرآن کریم است و در یک جلد در آمریکا نوشته شده که اطلاق دائرةالمعارف بر آن، با تسامح است. این دائرةالمعارف ۴۶۸ مدخل دارد که در تقسیم‌بندی کلی به سه دسته معمولی و کوتاه؛ نسبتاً مهم و متوسط؛ و بسیار مهم و بلند تقسیم می‌شوند. از جمله نقاط قوت این دائرةالمعارف، توجه به مذهب شیعه و شخصیت‌های آن؛ ارائه اکثر مدخل‌ها در قالب واژه‌های قرآنی؛ و زبان ساده و حجم کم مدخل‌ها در مقایسه با کارهای مشابه می‌باشد و از نقاط ضعف آن می‌توان، غیرحرفه‌ای بودن ویراستار و برخی نویسندگان در عرصه قرآن و تفسیر؛ استفاده نکردن از نویسندگان متبحر در پژوهش‌های قرآنی؛ و دخالت دادن ذهنیت و پیش فرض‌های رایج در اذهان مستشرقان اشاره کرد که باعث اشکال‌ها و کاستی‌هایی در این دائرةالمعارف شد که بررسی و نقد مطالب و مقاله‌های آن اجتناب‌ناپذیر است (ر.ک؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۶۲). ترجمه متن نوشتاری درباره مباحله در دایره‌المعارف این چنین است:

(مُباهله)؛ «بَهْل» ریشه فعلی به معنی لعن کردن است. «بَهْل» (لعن) به معنی کمبود آن نیز هست. در قرآن، «المباهله» (ملاعنه، لعنت خدا را بر کسی خواندن)، به عنوان راه‌حلی قاطع برای حل اختلاف میان مسیحیان نجران و محمد (ص) ذکر شده است. خداوند به پیامبر فرمان داد که از آنان بخواهد که مباحله کند تا معلوم شود چه کسی حقیقت را می‌گوید: «بگو: بیایید پسرانمان و پسرانشان و زنانمان و زنانتان و ما خودمان و شما خود را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم» (ر.ک؛ الیورلیمن، ۱۳۹۱: ۵۲۷).

## ۷. نقد و بررسی

الف. علیرغم اهمیت مباحله و جایگاه آن در اسلام و قرآن که توضیحات بخش اول یافته‌ها، گواه بر این حقیقت است، اما متأسفانه در این دائرةالمعارف به اهمیت آن توجه نشده و جزء مدخل‌های نوع اول یعنی معمولی و کم حجم قرار گرفته است.

ب. نویسنده در ابتدا، مباحله را از ریشه بَهْل و به معنی لعن کردن گرفته است در حالی که با توضیحات جامع و کاملی که از منابع لغوی و تفسیری بیان شد، به خوبی می‌توان به اشتباه

۱. اولین دائرةالمعارف، دائرةالمعارف لایدن است.

نویسنده و عدم تسلط و مراجعه او به همه منابع، پی برد. همان گونه که در بخش اول یافته‌ها توضیح داده شد «بَهَل» در لغت بمعنی رها کردن بدون سرپرست است و به شتر یا گوسفندی که رهایش کرده‌اند تا هر نوزاد نیازمند به شیر، از شیر او بنوشد «ناقه باهله» یا «شاه باهله» گفته می‌شود. در معنای اصطلاحی هم گفته شد لعنت، لازمه بَهَل است نه معنای آن.

ج. اینکه نویسنده بدون پرداختن به گفتگوی منطقی و ادله عقلی پیامبر اسلام با هیئت مسیحی، قبل از نزول آیه مباهله، و همچنین بدون مراجعه به سیاق آیات مرتبط با آیه مباهله و تنها نگاه جزیره‌ای به تک آیه مباهله، نوشته خود را با واژه‌های «لعنت کردن» و «ملاعنه» آغاز می‌کند، نه تنها با ادعای سرویراستار دائرةالمعارف تناقض دارد. بلکه موجب برداشت غلط و اشتباه مخاطب نسبت به آموزه‌های قرآنی می‌شود و در ذهن خواننده، بی‌منطقی و خشونت طلبی آموزه‌های اسلامی را تداعی می‌کند. به خصوص در زمان ما که با عملکرد غیرانسانی گروه‌های تکفیری همچون داعش، زمینه چنین برداشتی در ذهن غیر مسلمانان فراهم می‌باشد. د. در آیه مباهله و سیاق آیات مرتبط با آن و همچنین حوادثی که منجر به نزول این آیه گردید، سه اصل مهم اعتقادی توحید، نبوت و امامت نهفته است به گونه‌ای که حفاظت، صیانت و تحقق اعتقادات توحیدی از رسالت‌های مهم نبوت و امامت است. آیه مباهله در راستای اثبات و حقانیت توحید، و بطلان و نفی تثلیث نازل شده است و علیرغم اینکه اصل توحید مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل اعتقادی ادیان آسمانی است اما متأسفانه کم‌ترین اشاره‌ای به آن نشده است. نویسنده مباهله را، راه حل قاطع برای حل اختلاف میان مسیحیان و حضرت محمد (ص) معرفی می‌کند اما نمی‌گوید این اختلاف بر سر چیست. ظاهراً مطرح شدن منشاء اختلاف که همان توحید و تثلیث است به مذاق نویسنده که مسلمان نیست و اعتقادات توحیدی ندارد خوش نیامده است.

ه. همان گونه که در بخش اول یافته‌ها بیان شد دعوت به مباهله از سوی خداوند متعال با کمال انصاف و ادب، و بعد از بیان وحی و برهان، و نکول مسیحیان نجران صادر شده است که متأسفانه نویسنده به این فرآیند منطقی و عقلی نپرداخته و موضوع مباهله را به گونه‌ای مطرح نموده که انگار از دیدگاه قرآن و اسلام، اولین شیوه برخورد با مخالفان، مباهله می‌باشد در حالی که مباهله آخرین مرحله در برابر کسانی است که هیچ منطقی را نمی‌پذیرند.

و. تقارن ظهور اسلام با عصری که منزلت زن هیچ معنا و مفهومی نداشت و صرفاً نگاه ابزار و غریزی به زنان داشتند (ر.ک؛ جعفر سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۴) که شکل مُدرن و اطو کشیده آن

را در قرن حاضر در فرهنگ غرب می‌توان مشاهده کرد، نزول آیه مباهله و دعوت الهی از حضرت فاطمه علیها سلام، نشان از اهمیت و منزلتی است که قرآن و اسلام برای زنان در جامعه قائلند که در مواقع حساس و مسائل مهم اجتماعی، زنان در کنار مردان حضور داشته و به سهم خود در پیشبرد اهداف اسلامی کمک کردند، اما متأسفانه این امر مهم نیز از دید نویسنده مغفول مانده‌است.

### بحث و نتیجه‌گیری

بعضی از مستشرقان با دیدگاه‌ها و انگیزه‌های غیرعلمی و در مواردی مغرضانه به بررسی آیات قرآن و اسلام پرداخته‌اند، یکی از این آثار، کتاب "قرآن یک دائرة المعارف" با سرویراستاری پروفیسور الیورلیمن و با نویسندگان و مدخل‌های متعدد است. در یکی از مدخل‌های معمولی و کوتاه این کتاب، به موضوع آیه مباهله در قرآن پرداخته‌است. نویسنده در توضیح و تحلیل این آیه در چند خط و با حجم کوتاه، صرفاً به معنای «بهل» و ترجمه آیه مباهله اشاره نموده و از پرداختن به علل و عوامل منتهی به این حادثه مهم اجتناب نموده و به‌طور سطحی و ساده‌انگارانه، معلول بودن آن را در یک جمله بیان نموده‌است. مهم‌ترین نقدهای جدی بر این مدخل عبارتند از: الف. عدم ارائه معنای صحیح از واژه «بهل». ب. عدم توجه به اهمیت حادثه مباهله در معرفی جبهه باطل به عنوان آخرین راه حل در نزاع بین پیامبر خدا و مسیحیان نجران. ج. پرداختن به علل و عوامل منتهی به مباهله که با کمال انصاف و ادب، و بیان وحی و عقل در تثبیت توحید و رد تثلیث از سوی پیامبر اسلام به مسیحیان نجران اعلام شد اما به گونه‌ای با نكول هیئت مسیحی مواجه گردید که دیگر احتجاج، هیچ سودی نداشته و راهی به جز معجزه برای حل این نزاع اعتقادی وجود نداشته‌است؛ بنابراین مباهله به عنوان آخرین راه حل بعد از گفتگوهای عقلانی و وحیانی مطرح گردیده‌است. د. عدم توجه به جایگاه تاریخی مبحث مباهله، با تأکید بر تاریخ تشیع، مذاهب و فرق اسلامی.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## ORCID

Seyed Mohammad Reza  <https://orcid.org/0000-0002-8210-8781>

Mirhadi Tafreshi

Ali Karbalaei Pazoki  <https://orcid.org/0000-0002-7247-8252>

## منابع

قرآن کریم.

ال غازی، ملاحویش. (۱۳۸۲، ۵ق). بیان المعانی. دمشق: مطبعة الترقی.  
ابن کثیر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. ج ۲. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
ابن منظور. (۱۳۵۷ق). لسان العرب. ج ۱۱. بیروت: دارالفکر.  
اسفرائینی، ابوالمظفر. (۱۳۷۵). تاج التراحم فی تفسیر القرآن لیل عاجم. ج ۱. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

اصفهان، راغب. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. مصر: نشر الکتب.  
اصفهان، محمد علی رضایی. (۱۳۸۵). مجله قرآن پژوهی خاورشناسان. پاییز و زمستان شماره ۱. ۴۳

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). مجله قرآن پژوهی خاورشناسان. (قرآن و مستشرقان). پاییز و

زمستان ۱. شماره ۲. ص ۲۹.

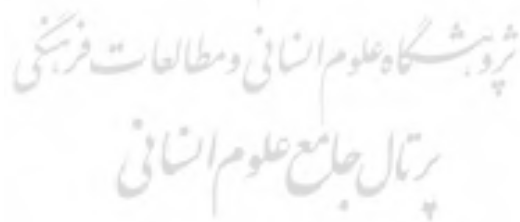
اندسی، ابو حیان. (۱۴۲۰ ق.). البحر المحيط فی التفسیر. ج ۳. بیروت: دارالفکر.  
البصری، ابوداود الطیاسی. (۱۴۱۹ق.). مسند ابی داود الطیاسی. مصر: دارهجر.  
بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق.). تفسیر مقاتل بن سلیمان. ج ۱. بیروت: داراحیاء التراث.  
بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق.). انوار التنزیل و اسرار التأویل. ج ۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم. ج ۱۴. قم: نشر اسراء.  
حاکم نیشابوری. (۱۴۱۱ ق.). المستدرک. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
حسن مصطفوی. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات قرآن الکریم. ج ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.  
رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰ق.). مفاتیح الغیب. ج ۸. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
رضایی، محمدعلی و همکاران. (۱۳۸۹). تفسیر قرآن مهر. قم: انتشارات عصر ظهور.  
رفسنجانی، اکبر هاشمی. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما. ج ۲. قم: موسسه بوستان کتاب.  
زمانی، محمد حسن. (۱۳۸۵). مستشرقان و قرآن. قم: موسسه بوستان کتاب.  
زمخشری. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. ج ۱. بیروت: دارالکتب العربی.  
سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). فروغ ابدیت. قم: موسسه بوستان کتاب.

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. ج ۲. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ ق.). *فتح القدير*. ج ۱. بیروت: دارالکلم الطیب.  
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۲. تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
علامه طباطبائی. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۷). *تفسیر نور*. ج ۲. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.  
قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۴). *قاموس قرآن*. تهران: ج ۱. دارالکتب الاسلامیه.  
لیمن، الیور. (۱۳۹۱). *دانشنامه قرآن کریم*. مترجم محمد حسن وقار. تهران: نشر اطلاعات.  
مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵ ق.). *بحار الانوار*. ج ۲۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
میبدی، رشید الدین. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عده الأبرار*. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.  
ناصر، مکارم شیرازی و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۲. تهران: دارالکتب اسلامیه.  
نصر بن محمد احمد، سمرقندی. *بحر العلوم*. ج ۱. (نرم‌افزار نور). بدون نام ناشر و تاریخ چاپ).  
نیشابوری، واحد. (۱۴۱۱ ق.). *اسباب النزول*. بیروت: دارالکتب العلمیه.



**استناد به این مقاله:** میرهادی تفرشی، سیدمحمد رضا، کربلانی یازوکی، علی. (۱۳۹۹). تحلیل مدخل آیه مباحله در دانشنامه الیور لیمن. *پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه*، ۲ (۳)، ۲۶۳-۲۷۶.



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.